

پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی کودکان بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین

سوسن نوروزی قصرالدشتی*
سیامک سامانی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی کودکان بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین بود. این پژوهش همبستگی از نوع رگرسیون چندمتغیری است. ۳۵۲ کودک پیش دبستانی شهر شیراز به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، و به پرسش‌نامه‌های الگوهای ارتباطی خانواده، مهارت‌های شهروندی کودکان و خودکارآمدی والدین پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش‌های آماری ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-۲۲ انجام گردید. نتایج نشان داد، که بین مهارت‌های شهروندی یا خودکارآمدی والدین (مؤلفه‌ها) و الگوی ارتباطی گفت و شنود همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، و الگوی ارتباطی گفت و شنود و کارآمدی در کنترل و نظارت، مهارت‌های شهروندی را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کنند و الگوی ارتباطی هم‌نوایی، کارآمدی در مقابله با شرایط دشوار، کارآمدی در مسائل مدرسه و کارآمدی در مراقبت قادر به پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی نیستند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین نقش مؤثری در مهارت‌های شهروندی کودکان دارند.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های شهروندی، خودکارآمدی والدین، الگوهای ارتباطی خانواده، کودکان

مقدمه

از مباحث مهم در حوزه مطالعات تربیتی و اجتماعی، مفهوم شهروندی است، این مفهوم همواره مورد توجه متفکران بوده است. شهروند و شهروندی تا حد زیادی وابسته به شرایط خاص کشور و جامعه است. امروزه، چه در کلان سیستم اجتماع که دولت‌ها، استراتژی‌ها هستند، وجود افرادی با ویژگی‌هایی مانند: مسئولیت‌پذیری، انتقادگری، وطن‌پرستی و در یک کلام، شهروندی مسئول، از مؤلفه‌های حیاتی و با اهمیت هستند (Teymournezhad, Youzbashi, & Ebrahimi, 2017). به منظور تربیت شهروندانی با ویژگی‌های مورد انتظار، بحث تربیت شهروندی پیش از بیش مورد توجه قرار گرفته و در برخی از کشورها در برنامه درسی رسمی آورده شده است (Whiteley, 2012; Kisby, 2012).

مهر و موم‌های پیش از دبستان مرحله شکل‌گیری شخصیت کودک است. این مهر و موم‌های طلایی چنانچه محیط آموزشی غنی باشد هوش شکوفا می‌شود، استعدادها پرورش می‌یابد و کودکان می‌توانند از حداکثر توانایی‌های خود بهره‌مند گردند. یادگیری مفاهیم در سنین کودکی، پایه و اساسی

* کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

** دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

است برای پرورش شهروند خوب و پرورش روحیه‌ی زندگی در کنار هم و به‌صورت مسالمت‌آمیز که از اهداف اساسی تعلیم و تربیت می‌باشد. همچنین با انتخاب روش‌های آموزشی مناسب می‌توانیم برای آینده شهروندانی تربیت کنیم که مسئولیت‌پذیر باشد و در امور مختلف مشارکت فعال داشته و در اجرای عدالت اجتماعی، ارزش‌های دموکراتیک و آزادی کوشا باشند، آنان را با قوانین کشور، سنت‌ها و نمادها که برای تداوم زندگی ضروری هستند آشنا نماییم و به‌طور کل شهروندی تربیت کنیم که بتواند به‌طور مسالمت‌آمیز در دنیای جهان شمول در کنار یکدیگر زندگی کنند. لذا آموزش شهروندی باید از خانه شروع و در دوران پیش از دبستان و مقاطع بعدی ادامه یابد و در واقع باید فرایندی مادام‌العمر باشد. چون سنگ زیربنای یادگیری پایدار و ماندنی در دوره‌ی کودکی پایه‌ریزی می‌شود (Fathi Vajargah & Vahed Choukdeh, 2006).

مهارت‌های شهروندی طیف وسیعی از مهارت‌ها، ارزش‌ها و تعاملاتی را در برمی‌گیرد که گمان می‌رود برای زندگی بهتر بزرگ‌سالی مورد نیاز است و رویکردی چند بعدی است که در سطح فردی منجر به ارتقای قابلیت‌های فردی، افزایش ظرفیت روانی-اجتماعی و توانمندسازی افراد می‌شود (Fathi Vajargah & Vahed Choukdeh, 2006). برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی‌شان آشنا کنیم و از شهروندان جامعه این انتظار را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه‌های مختلف را ترویج دهیم و یا به‌طور کلی در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می‌باشیم (Molazehi, 2012).

خانواده و والدین در شناسایی فرهنگ و پرورش آموزش اجتماعی نظیر احترام برای اکثریت، تقویت روحیه‌ی خودباوری، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و رعایت قوانین و مقررات، آشنایی با ارزش‌های ملی و غیره نقش مؤثری دارد. در واقع خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی فرد است که در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی وی نقش بسیار مهمی دارد. در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های فرزند، جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد، در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت‌آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه‌ی پیشرفت رشد پیدا می‌کنند. تأثیر و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف رشد بی‌شمار است. خویشتن‌پنداری و احساس ارزشمندی خود در حال شکل‌گیری کودکان به شدت از نگرش‌های اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر نسبت به او تأثیر می‌پذیرد.

همواره ارتباطات (communication) موجود در بین اعضای خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روابط بین فردی و کلیدی برای فهم دینامیک‌های تحت تأثیر روابط خانواده قلمداد شده است. از این‌رو الگوهای ارتباطی خانواده (family communication pattern) یکی از مسائلی است که به دلیل اهمیت و تأثیرات آن به خوبی مورد توجه پژوهش‌گران و اندیشمندان قرار گرفته و رابطه‌ی آن با

بسیاری ویژگی‌های انسانی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. شیوه برخورد و نوع ارتباطی که اعضای خانواده با همدیگر دارند متفاوت است. لذا تأثیرات آن در سایر رفتارها نیز می‌تواند مختلف باشد.

نتایج مطالعه فراتحلیلی در مورد الگوهای ارتباطات خانواده (Schrodt, Witt, & Messer smith, 2008) که نشان می‌دهد، این الگوها و ابعاد تشکیل‌دهنده آن‌ها رابطه معناداری با انواع مختلف رفتارهای ارتباطی، پیامدهای روانی، اجتماعی و فعالیت‌های شناختی دارند. در حقیقت، شناخت انواع مختلف الگوها و سبک‌های ارتباطات خانوادگی به پیش‌بینی، توضیح عملکرد خانواده، توصیه و تجویزهای مربوط به آن کمک می‌کند.

مدل اولیه الگوهای ارتباطی خانواده عبارتند از جهت‌گیری مفهومی (concept-orientation) که بر آزادی بیان و عقاید هم‌چنین بحث تبادلی نظر تأکید دارد. جهت‌گیری اجتماعی (sociol-orientation) که بر سازگاری روابط تأکید می‌کنند و از ناسازگاری اجتناب می‌نمایند (McLeod & Chaffee, 1972; Ritchie & Fitzpatrick, 1990; Fitzpatrick & Ritchie, 1994) جهت‌گیری گفت و شنود (conversation orientation) «میزانی که خانواده‌ها شرایطی را فراهم می‌آورند که در آن همه اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات شوند» (Koerner, & Fitzpatrick, 1997). و جهت‌گیری همنوایی (conformity orientation) عبارت است از «میزانی که خانواده‌ها شرایط همسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید را مورد تأکید قرار می‌دهند تعریف کرده‌اند». بر اساس این ابعاد چهار نوع الگوی ارتباطی خانواده مطرح کردند. خانواده توافق‌کننده، خانواده کثرت‌گرا، خانواده حفظ‌کننده، خانواده به حال خود گذارنده (Kourosnia & Latifian, 2007).

خودکارآمدی (self-efficacy) عاملی مهم در نظام سازنده شایستگی انسان است. انجام وظایف از سوی افراد مختلف با مهارت‌های مشابه در موقعیت‌های متفاوت به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی و یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت به تغییرات باورهای خودکارآمدی آنان وابسته است. به همین دلیل، احساس خودکارآمدی، افراد را قادر می‌کند تا با استفاده از مهارت‌ها در برخورد با موانع کارهای فوق‌العاده‌ای انجام دهند. عملکرد مؤثر، هم به داشتن مهارت‌ها و هم به باور در توانایی انجام آن مهارت‌ها نیازمند است اداره کردن موقعیت‌های دائم‌التغییر، مبهم، غیرقابل پیش‌بینی و استرس‌زا، مستلزم داشتن مهارت‌های چندگانه است (Abdolahi, 2006). بندورا (Bandura) خودکارآمدی را به‌عنوان عقیده به توانایی‌های فرد در سازمان‌دهی و اجرای یک سری اعمال مورد نیاز برای رسیدن به یک هدف تعریف می‌کند (Kurbanoglu, Akkoyunlu, & Umay, 2006).

بندورا (Bandura, 1997) معتقد است خودکارآمدی والدین، ساختار شناسی بالقوه مهمی است که با عملکرد خانواده و کودک رابطه دارد. هم‌چنین خودکارآمدی را انجام عمل مطلوب که انعکاس ادراکات افراد است، توصیف می‌کند. به‌طور کلی، شناخت خودکارآمدی یکی از جنبه‌های اصلی حقوق بشر در نظر گرفته شده است و خودکارآمدی والدین در واقع اعتقادات و توانایی آن‌ها در رشد و پرورش موفق کودکانشان است (Tracy & Ronald, 2005).

بندورا (Bandura, 1997) خودکارآمدی را به‌عنوان باور و قضاوت فرد از توانایی خود برای انجام تکلیف خاص تعریف کرده است، باورهای خودکارآمدی تعیین‌کننده احساس، افکار، هیجان‌ها و رفتار فرد است. به اعتقاد وی سطح بالای این باور در فرد موجب ارتقا عملکرد و سطح بهزیستی فرد می‌گردد. احساس خودکارآمدی بالا در مورد توانمندی‌ها موجب می‌گردد تا در مواجهه با مسائل دشوار فرد درصدد غلبه بر مسائل برآید و رفتارهای اجتنابی در فرد کاهش یابد.

اگر والدین احساس بی‌لیاقتی داشته باشد ناتوان شده و دچار استرس شدید می‌شوند و اعتماد به نفس آن‌ها افت پیدا می‌کند و به تدریج به افسردگی و سایر مشکلات روحی مبتلا می‌شوند و این استرس شدید ناتوانی آن‌ها را برای تربیت مؤثر تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین احساس خودکارآمدی ضعیف در والدین به سبک والدگری بی‌ثبات و غیرمقتدر منجر می‌گردد که بر اساس شواهد متعدد این عوامل به پیامدهای ضعیف در مورد کودکان می‌انجامد (Costin, Lichte, Hill-Smith, Vance, & Luk, 2004). ویور، شاو، دیشن و ملوین (Weaver, Shaw, Dishion, & Melvin, 2008) نشان دادند که مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌بینی‌کننده مهمی در خودکارآمدی والدین به‌ویژه مادران، در انتظارات و ادراک خود از اینکه تا چه حد می‌توانند به‌عنوان یک والد به‌گونه‌ای شایسته و مؤثر عمل کنند و هم-چنین تا چه اندازه قادرند تأثیر مثبت بر رفتار و رشد و سازگاری فرزندشان بگذارند.

گاردل، لسنفورد و سوربرینگ (Gurdal, Lansford, & Sorbring, 2016) دریافتند که محبت والدین به‌طور مستقیم به کاهش مشکلات فرزندپروری و درونی سازی کودکان و پیشرفت تحصیلی منجر می‌شود. جان بزرگی (Janbozaghi, 2008) به این نتیجه رسید که بین شیوه‌های فرزندپروری و رفتارهای جامعه‌پسند کودکان رابطه معناداری وجود دارد. تحقیقات بیانگر این هستند که داشتن خودکارآمدی والدینی و استفاده از شیوه‌ها و الگوهای ارتباطی مناسب در خانواده باعث به وجود آمدن رفتارهای مناسب اجتماعی و شهروندی در کودکان می‌انجامد و از سوی دیگر این متغیرها باعث کاهش مشکلات رفتاری می‌شود (Janbozaghi, 2008).

از آنجا که شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است. کودکان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به‌عنوان یک شهروند، به‌صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند (Lotfabadi, 2006). آشنا نمودن کودکان با مفاهیم شهروندی باعث می‌شود که کودکان به دخالت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت در انتخاب‌ها، مسئولیت‌های آنها در جهان آینده، آموزش دموکراسی و رعایت حقوق شهروندی، کودکان را یاری دهند. عادت‌های الگوهای رفتاری توأم با بردباری، مشارکت در امور، تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری، احترام به قانون، رعایت بهداشت محیط و به‌طور کل فراگیری قواعد و اسباب و لوازم زیستن در کنار یکدیگر را از همان ایام کودکی آموزش داده تا در آینده با شهروندان مقید به مسئولیت‌پذیری، مشارکت جویی روبه‌رو شویم و به‌جای داشتن مردمی تکلف‌پذیر، مسئولیت‌پذیر داشته

باشیم. با توجه به هدف پژوهش فرضیه زیر مطرح شد: الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین قادر به پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی کودکان هستند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از لحاظ روش، یک تحقیق همبستگی است. جامعه این پژوهش دربرگیرنده تمام کودکان پیش‌دبستانی شهر شیراز در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود. مبنای تعیین حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران بود. به‌طوری که در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۵۲ کودک (۱۸۸ دختر و ۱۶۴ پسر) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، به این صورت که ابتدا از بین نواحی چهارگانه شیراز نواحی ۱ و ۴ سپس، از هر ناحیه پنج مرکز پیش‌دبستانی و از هر مرکز نیز ۳ کلاس و تمامی کودکان آن کلاس‌ها در نظر گرفته شد.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه مهارت‌های شهروندی. این پرسش‌نامه دارای ۴۰ ماده ۵ گزینه‌ای از خیلی زیاد به خیلی کم است که میزان مهارت‌های شهروندی کودکان را می‌سنجد، و توسط رمضان پور (Ramazan poor, 2008) تهیه و در سال ۱۳۹۱ توسط منیری اصلاح و تدوین گردیده است. ضریب پایایی آلفای کرونباخ ای ابزار ۰/۷۳ بدست آمده است (Ramazan poor, 2008). منیری (Moniri, 2012) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ۱۲ عامل را برای مهارت‌های شهروندی شناسایی کرد. در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۸۱ و برای ۱۲ عامل از ۰/۶۴ تا ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه الگوی ارتباطی خانواده. این ابزار یک مقیاس خودسنجی است که توسط فیتزپاتریک و ریچی (Koerner & Ritchie, 1994) طراحی شده به‌منظور اندازه‌گیری ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده که دارای دو بعد، جهت‌گیری و هم‌نوایی است و دارای ۲۶ گزاره که زمینه ارتباطات خانوادگی را می‌سنجد. این ابزار بعد گفت‌و شنود و هم‌نوایی را می‌سنجد. بدین‌صورت که ۱۱ گزاره اول، مربوط به بُعد هم‌نوایی است و ۱۵ گزاره بعد مربوطه به بُعد گفت‌و شنود است؛ نمرات بُعد گفت‌و شنود در دامنه ۰ تا ۶۰ و بُعد هم‌نوایی در دامنه ۰ تا ۴۴ قرار می‌گیرند ماده‌های این ابزار در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم = ۴ تا کاملاً مخالفم = ۰ رتبه‌بندی می‌شوند.

ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده از روایی محتوایی برخوردار است. در مورد روایی ملاکی، نشان داده شده است که انواع متفاوت خانواده‌ها و ابعاد نوع شناسی آنها با اندازه‌های سازه‌هایی که از لحاظ نظری به آنها مربوط هستند، همبستگی دارند. در پژوهش جوکار و رحیمی (Jokar & Rahimi, 2007) با استفاده از روش تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش قائم دو عامل الگوی ارتباطی را تأیید کرده‌اند. کوروش نیا (Kouroshnia, 2007) نسخه فارسی مقیاس روایی را مطلوب و ضریب آلفای

کرونباخ را برای جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی به ترتیب برابر ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده است. این ابزار با میانگین آلفای کرونباخ ۰/۸۹ (دامنه ۰/۹۲-۰/۸۴) در بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۰/۷۹ (دامنه ۰/۸۴-۰/۷۳) در بعد جهت‌گیری هم‌نوایی و ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی در بعد گفت و شنود ۰/۹۹ و در بعد هم‌نوایی ۰/۸۷ گزارش شده است. احیاء‌کننده و یوسفی & Ehyakonandeh (2017) تحلیل عاملی تأییدی این پرسش‌نامه را مورد تأیید قرار دادند، و ضریب پایایی آلفا کرونباخ برای عامل هم‌نوایی ۰/۸۴ و برای عامل گفت و شنود ۰/۹۳ گزارش دادند. در پژوهش حاضر، پایایی این ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های هم‌نوایی ۰/۸۷ و گفت و شنود ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه خودکارآمدی والدین. پرسش‌نامه خودکارآمدی والدین توسط بندورا (Samani, 2017) & Mohanna تهیه شده و دارای ۳۰ ماده که هر ماده آن در یک طیف ۰ تا ۱۰۰ نمره‌ای توسط والدین نمره‌گذاری می‌شود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی بیانگر چهار عامل خودکارآمدی در مقابله با مسائل آموزشی، خودکارآمدی در مقابله با شرایط دشوار، خودکارآمدی در مراقبت کردن و خودکارآمدی در کنترل و نظارت؛ ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل چهارگانه ذکر شده از ۰/۸۱ تا ۰/۹۳ و ضریب کل ۰/۹۰ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه ۰/۸۲ به دست آمد.

روند اجرای پژوهش

به‌منظور انجام پژوهش حاضر و اجرای پرسش‌نامه‌ها پس از انجام مراحل اجرایی کار به سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش شهر شیراز مراجعه شد و لیست مراکز پیش‌دبستانی درخواست گردید و به این مراکز مراجعه شده و پس از توجیه کردن مربیان و والدین و دادن توضیحات لازم در خصوص محرمانه ماندن پاسخ‌ها، هدف از انجام تحقیق و روش تکمیل ابزارها، پرسش‌نامه‌های رفتار شهروندی، الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین در اختیار نمونه مورد نظر قرار گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان در قالب نرم‌افزار SPSS انجام گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش ۱۸۸ دختر و ۱۶۴ پسر؛ دامنه‌های سنی مادران ۲۲ تا ۴۹ سال و پدران ۲۸ تا ۶۰ سال؛ ۶۳ مادر شاغل (۱۷/۹ درصد) و ۲۸۹ مادر خانه‌دار (۸۲/۱ درصد)؛ ۲۰۱ کودک فرزند اول (۵۷/۱

درصد)، ۱۱۹ کودک فرزند دوم (۳۳/۸ درصد)، ۱۷ کودک فرزند سوم (۴/۸ درصد) و ۱۵ کودک فرزند چهارم (۴/۳ درصد) بودند.

جدول ۱

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
کارآمدی مسائل مدرسه	۶۷	۱۸/۱۵	-						
کارآمدی شرایط دشوار	۷۲/۱۰	۱۷/۹۵	۰/۵۸**	-					
کارآمدی مراقبت	۸۹/۴۴	۹/۴۲	۰/۵۱**	۰/۵۲***	-				
کارآمدی نظارت	۷۷/۷۵	۱۴/۹۳	۰/۶۰***	۰/۵۲***	۰/۶۷***	-			
خودکارآمدی والدین	۷۵/۸۸	۱۲/۶۹	۰/۸۹***	۰/۸۲***	۰/۷۵***	۰/۷۹***	-		
الگوی گفت و شنود	۶۴/۳۸	۷/۹۲	۰/۲۳***	۰/۳۱***	۰/۳۰***	۰/۲۸***	۰/۳۳***	-	
الگوی همنوایی	۳۰/۱۴	۸/۴۳	-/۰۵	-/۱۷***	-/۰۳	-/۰۳	-/۰۸	-/۰۱	-
مهارت شهروندی	۱۳۶/۲۷	۱۵/۶۴	۰/۳۰***	۰/۳۲***	۰/۳۱***	۰/۳۴***	۰/۳۸***	۰/۱۸***	-/۰۶

** P < ۰/۰۱

همان‌طور جدول ۱ نشان می‌دهد، بین مهارت‌های شهروندی و خودکارآمدی والدین و الگوی ارتباطی گفت و شنود همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. اما بین مهارت‌های شهروندی با الگوی ارتباطی همنوایی رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد.

جدول ۲

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان متغیرهای پیش‌بین الگوی ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین در پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی کودکان به‌عنوان متغیر ملاک

متغیرهای پیش‌بین	F	R ²	Beta	t	P	ضریب تحمل	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ			-	۱۰/۲۴	۰/۰۰۱	-	-
الگوی گفت و شنود			۰/۱۵	۲/۰۷	۰/۰۴۰	۰/۸۷	۱/۱۴
الگوی همنوایی	۱۰/۵۵	۰/۳۹	-/۰۰۴	۰/۷۷	۰/۴۴۱	۰/۹۵	۱/۰۵
کارآمدی مسائل مدرسه	< ۰/۰۰۱	۰/۱۵	۰/۰۸	۱/۱۹	۰/۲۳۶	۰/۵۴	۱/۸۵
کارآمدی شرایط دشوار			۰/۱۲	۱/۷۷	۰/۰۷۸	۰/۵۵	۱/۸۲
کارآمدی مراقبت			۰/۰۹	۱/۳۰	۰/۱۹۶	۰/۴۹	۲/۰۲
کارآمدی در کنترل و نظارت			۰/۱۶	۲/۱۰	۰/۰۳۶	۰/۴۵	۲/۲۴

یافته‌های جدول ۲ نتایج بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین در مورد مهارت‌های شهروندی کودکان، حاکی از آن است که متغیرهای پیش‌بین توانسته‌اند ۱۵ درصد از

تغییرات مربوط به مهارت‌های شهروندی را پیش‌بینی نمایند ($F = ۱۰/۵۵, P < ۰/۰۰۱$). یعنی، الگوی ارتباطی گفت و شنود ($P < ۰/۰۴۰$ و $\beta = ۰/۱۵$) و کارآمدی در کنترل و نظارت ($P < ۰/۰۳۶$ و $\beta = ۰/۱۶$) مهارت‌های شهروندی را به‌صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کنند.

بحث

این پژوهش با هدف پیش‌بینی مهارت‌های شهروندی کودکان بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی والدین انجام شد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد الگوی ارتباطی گفت و شنود و کارآمدی در کنترل و نظارت، مهارت‌های شهروندی را به‌صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. در راستای تفسیر یافته‌های مزبور می‌توان گفت: طبق نظر اندیشمندان خانواده وضعیت کودک، موقعیت و ترکیب خانواده به‌گونه‌ای است که وابستگی شدید عاطفی بین کودک و والدین، نیاز مطلق کودک در تمامی ابعاد زیستی و روانی به والدین خانواده در زمینه‌های تأمین نیازهای رشدی کودک از جایگاه منحصر به فردی برخوردار شده است. خانواده نظام اجتماعی منحصر به فردی است که عضویت در آن بر اساس مجموعه عوامل زیستی، قانونی، عاطفی و جغرافیایی تاریخی شکل می‌گیرد و مهارت‌های اصلی زندگی از جمله مهارت‌های شهروندی در خانواده شکل می‌گیرد. فضای خانواده می‌تواند مهرورزانه، پذیرنده، مسئولانه و درک کننده یا طردکننده باشد نحوه ارتباط والدین با کودکان و روش والدین در حل، تعارض‌های آن‌ها یکی دیگر از جنبه‌های تعاملی است (Riesch, Jackson, & Chanchong, 2003). که می‌توان به آن تأکید کرد چگونگی ارتباط والد کودک می‌تواند تشویق‌کننده یا تنبیه‌کننده باشد؛ والدین می‌توانند با اعتماد و ایجاد حس پذیرش نسبت به کودک به بالا رفتن اعتماد به نفس و احساس کفایت در او کمک کنند، یا به عکس با تنبیه و توییح زمینه را برای رشد احساس ناکارآمدی و بی‌کفایتی اجتماعی او فراهم آورند (Bayazit, 2013).

یافته‌های این پژوهش بیان می‌کنند که ارتباط، نقش بسزایی در کارکرد خانواده دارد. ادراک از خانواده به‌عنوان نهادی منعطف که در آن تعاملات باز و بلا مانع می‌باشد و اعضای خانواده در مورد موضوعات مختلف با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، نسبت به خانواده‌هایی که جوی مبتنی بر هم‌نواپی دارند، سبب می‌شود که فرزندان بتوانند به راحتی عواطف و احساساتشان را ابراز کنند. در چنین خانواده‌هایی به جای تأکید بر استفاده از شیوه‌های سنتی و راه‌های آزمون شده در حل مسائل مختلف خصوصاً در زمینه تعاملات بین افراد، قابلیت پذیرش ایده‌های مختلف و جدید وجود دارد که همین مسأله زمینه‌ساز رشد مهارت‌های شهروندی در فرزندان این‌گونه خانواده‌ها می‌گردد.

در خانواده‌هایی با بُعد گفت و شنود بالا، ارتباطات باز و خودانگیخته وجود دارد و بحث‌های گسترده و در رابطه با موضوعات مختلف صورت می‌گیرد (Koerner & Fitzpatrick, 2002). والدین با در نظر گرفتن همه جوانب یک مطلب قبل از اتخاذ تصمیم، بیان آشکار عقاید و حتی به چالش کشیدن دیدگاه‌های دیگران، تأکید دارند. در نتیجه، فرزندان چنین خانواده‌هایی دارای مهارت‌های اجتماعی، قدرت حل مسأله و توانایی رهبری و قدرت ابراز وجود بالایی هستند. که همین مسأله باعث می‌شود تا

فرزندان تبعیت بیشتری از والدین خود داشته باشند و رفتارهای اجتماعی مناسب‌تری را از خود بروز دهند. برعکس، در خانواده‌های با هم‌نوایی بالا، والدین مستبد و کنترل‌کننده هستند. تأکید دارند که فرزندان آن‌ها باید از تعارض و مقابله با جمع اجتناب کنند، در بحث‌ها تسلیم آن‌ها شوند، به بزرگ‌ترها احترام گذارند و به‌طور کلی جلوی مسائل بین فردی را بگیرند (Costin, Lichte, Hill-Smith, Vance, & Luk 2004). تعاملات در خانواده‌هایی با هم‌نوایی بالا، بر اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم تکیه دارد. ارتباطات بین دو نسل در این خانواده‌ها منعکس‌کننده حرف‌شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان است. در این خانواده‌ها از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق با میل والدینشان عمل کنند (Koerner & Fitzpatrick, 2002). این روند در کوتاه مدت کاربرد دارد کم‌کم فرزندان این‌گونه خانواده‌ها یاد می‌گیرند که از منابع قدرت کمتر پیروی می‌کنند. در این‌گونه خانواده‌ها هرچند به رفتارهای شهروندی تأکید می‌شود اما فرزندان تبعیت کمتری از والدین خود دارند شاید یکی از دلایل احتمالی این امر سنین خاص این کودکان باشد.

خودکارآمدی والدگری یک ساختار بالقوه مهم شناختی، مربوط به کودکان و کارکرد خانواده است، که به‌طور گسترده به‌عنوان انتظارات مراقبت‌کنندگان در مورد توانایی‌هایشان که تا چه حد می‌توانند به‌عنوان والد، به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز عمل کنند. اگر کانون خانواده دربرگیرنده محیط سالم و سازنده همراه با روابط گرم و صمیمی تعامل بین فردی باشد، موجب رشد و پیشرفت همه جانبه اعضای خانواده می‌شود. همچنین احساس خودکارآمدی ضعیف در والدین به سبک والدگری بی‌ثبات و غیر مقتدر منجر می‌گردد که بر اساس شواهد متعدد این عوامل به پیامدهای رفتارهای مشکل‌دار در مورد کودکان می‌انجامد. مهارت‌های شهروندی در کودکان از مشاهده الگوهای رفتاری اطرافیان ناشی می‌شود به همین دلیل است که کودک را آینده رفتار والدین می‌دانند.

در راستای تفسیر می‌توان گفت که خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که تأمین‌کننده نیازهای روانی و جسمانی فرد است. خانواده به لحاظ پیوند زیستی و طبیعی اولین محیط و نهاد اجتماعی است که نوزاد پای به درون آن می‌گذارد. وضعیت کودک، موقعیت و ترکیب خانواده به‌گونه‌ای است که اساسی‌ترین نقش را در زندگی کودک دارد در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. بر طبق نظر روانشناسان خانواده کارکردهای مختلف خود را به طریق متفاوت ایفا می‌کند. یکی از این کارکردها، کارکرد هیجانی و عاطفی است. هرگاه یکی از اعضاء نتواند از ابزار مناسب برای ابراز هیجانات و احساسات خود استفاده کند اختلال و آسیب ایجاد می‌شود.

همچنین بر طبق نظر ولندر-واتن، یاستروم، تامبس، نیل، کندلر و ریچبورن-کجینرود، (Welander-Vatn, Ystrom, Tambs, Neale, Kendler, Reichborn-Kjennerud, 2016) اختلال در روابط اولیه والد - فرزند به دلایلی مانند ویژگی‌های خاص شخصیتی والدین، اختلال روانی آنان، خودکارآمدی والدین در تربیت فرزند، عدم برقراری رابطه مناسب و اصولی با کودک و نوجوان می‌تواند اساس و زیربنای ناپهنجاری‌های اجتماعی بعدی در زندگی آتی فرزندان باشد. هر شکافی در مبادله والد- فرزند می‌تواند تأثیر منفی قاطعی بر تحول شخصیت فرزند داشته باشد و در آینده به

اختلالات کم و بیش وخیم مرضی منجر شود. بر طبق نظر لوسزنز (Losoncz, 2015) در واقع آنچه در درون خانواده اتفاق می‌افتد و چگونگی عملکرد آن می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و آینده مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. گلدنبرگ و گلدنبرگ (Goldberg & Goldberg, 2008) معتقد است خانواده کارکردهای مختلف خود را به طریق متفاوت ایفا می‌کند. هرگاه یکی از اعضاء نتواند از ابزار مناسب برای ابراز هیجانات و احساسات خود استفاده کند اختلال و آسیب ایجاد می‌شود. کارکرد اصلی واحد خانواده ایجاد موقعیتی برای رشد اجتماعی، مهارت‌های شهروندی، روانی، و زیستی و بقای اعضای خانواده است. کارآمدی در کنترل و نظارت قادر به پیش‌بینی مهارت شهروندی کودکان است. حسینی (Hosseini, 2011) نشان داد که خانواده‌هایی که ساختار مناسب و باز دارند کمتر دچار استرس و خشونت و کارکرد مختل می‌شوند و در آن شرایط، به سرعت نیز بهبود می‌یابند. بر طبق نظر پارک و پارک (Park & Park, 2001) عدم توجه والدین به سالم‌سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و روابط نامناسب در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی و مشکلات روانی گوناگون رو به رو می‌سازد و احتمال اینکه این کودکان در آینده به از مهارت‌های شهروندی کمتری برخوردار باشند، زیاد خواهد بود.

نتیجه گیری

الگوی ارتباطی گفت و شنود و کارآمدی در کنترل و نظارت، مهارت‌های شهروندی را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. این مطالعه نیز مانند بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خودگزارش دهی به جای مطالعه رفتار واقعی، ممکن است مشارکت‌کنندگان را در پاسخ به سؤال‌ها به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از برداشت بد مربوط به عدم کفایت فردی ترغیب کند. به بیان دیگر، به منظور تأیید مقیاس‌های خودگزارش دهی از مشاهده رفتاری و شاخص‌های بالینی استفاده نشد.

گروه نمونه محدود به کودکان پیش دبستانی شهر شیراز بود. از این رو باید در تعمیم یافته‌ها محتاط بود. با توجه به سن کم کودکان و عدم توانایی در تکمیل پرسش‌نامه‌ها، ابزارهای اندازه‌گیری را به مادران داده شده تا در منزل تکمیل نمایند به همین دلیل برخی از پرسش‌نامه‌ها عودت داده نشدند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، متغیرهای دیگری نیز در ارتباط با مهارت‌های شهروندی نظیر کمال‌گرایی والدین، مسئولیت‌پذیری کودکان، خودآزمندی کودکان مورد بررسی قرار گیرند. از آنجا که پژوهش حاضر تنها بر روی کودکان پیش دبستانی اجرا گردید، در پژوهش‌های آتی کودکان دیگر مقاطع تحصیلی نیز مورد بررسی قرار گیرند. آموزش خودکارآمدی به والدین به ویژه مادران، به بهبود ناکارآمدی‌های مزمن موجود خانوادگی، تقویت نقش‌های والدگری و نظام خود باوری والد کودک و بهبود مهارت‌های شهروندی منتهی می‌شود.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از تمامی افرادی که در این پژوهش شرکت کردند و کلیه کسانی که ما را یاری دادند صمیمانه تشکر می‌نماییم.

References

- Abdollahi, B. (2006). The role of self-efficacy in empowering the staff. *Tadbir*, 40, 135-168. (Persian)
- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavior change. *Psychological Review*, (84), 191-215.
- Bayazit, I. (2013). An investigation of problem solving approaches, strategies, and models used by the 7th and 8th grade students when solving real-world problems. *Educational sciences: Theory and Practice*, 13(3), 1920-1927. (Persian)
- Costin, Y., , C., Hill-Smith, A., Vance, A., & Luk, E. (2004). *Parent group treatments for children with oppositional defiant disorder*. Australian E-Journal for the Advancement of Mental Health, 3(1). [Cited 2012 Feb]. Available From: <http://www.auseinet.com/journal/vol3iss4/Costin.Pdf>. 2004.
- Ehyakonandeh, M., & Yousefi, F. (2017). The relationship between family communication patterns and conformity with university: The mediating role of coping strategies for stress. *Journal of Family Studies*, 13(50), 273-291. (Persian)
- Fathi Vajargah, K., & Vahed Choukdeh, S. (2006). Identifying citizenship education traumas in hidden curriculum of high school educational system from female teachers' perspectives of Tehran. *Journal of Educational Innovations*, 5(17), 93-132. (Persian)
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Goldberg, I., Goldberg, H. (2008). *Family therapy*. Translated by Shahi Browati; Hamid Reza Naqshbandi & Siamak, Arjomand Elham (2013). Thirteenth Print, Tehran, Ravan Publishing House. (Persian)
- Gurdal, S. E., Lansford, J., & Sorbring, E. (2016). Parental perceptions of children's agency: Parental warmth, school achievement and adjustment. *Early Child Development Care*, 186(8), 1203-1211.
- Hossemi, M. (2011). *Family therapy techniques and theories*. Tehran: Roshd Publication.

- Jahani, J. (2007). Investigating the impacts of educational programs in philosophy for children on students' ethical depositions development. *Journal of Curriculum Studies*, 2, 7. (Persian)
- Kisby, B. (2012). *The labour party and citizenship education: Policy networks and the introduction of citizenship lessons in schools*. Manchester University Press.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). you never leave your family in a fight: The impact of families of origins on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication Studies*, 53, 234-51.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-78.
- Kouroshnia, M. & Latifian, M. (2007). Investigating the reliability and validity of family communication patterns revised instrument. *Journal of Family Research*, 3(12), 855-875.
- Kurbanoglu, S. S., Akkoyunlu, B., & Umay A. (2006). Developing the information Literacy Selfefficacy Scale. *Journal of Documentation*, 62 (6), 730-743.
- Losoncz, I. (2015). *Building safety around children in families from refugee backgrounds*. Ensuring children's safety requires working in partnership with families and communities.
- Lotfabad, H. (2006). National and international citizenship education along with fostering civil identity and value system of students. *Quarterly Journal of Educational Innovations, Citizenship Education Innovation*, 5(17), 11-44. (Persian)
- McLeod JM. & Chaffee SH. (1972). *The construction of social reality*. In J. Tedeschi (Ed.), *the social influence process* (pp. 50-59). Chicago: Aldine-Atherton.
- Molazehi, A. (2012). *The effect of jigsaw methodology on citizenship skills of the second grade students of secondary school in Iranshahr*. MA thesis of Islamic Azad University, Marvdasht Branch. (Persian)
- Park, J. E., & Park, K. (2001). *Text book of preventive and social medicine: A treatise on community health, Banarsidas Bhanot publishing 13th Ed.*
- Ramezanpour, Sh. (2009). *Investigating the impact of community of inquiry of philosophy education for children in the third grade on their citizenship skills development*. MA Thesis of Alzahra University. (Persian)
- Riesch, S. K., Jackson, N. M., & Chanchong W. (2003). Communication approaches to parent- child conflict: Young adolescence to young adult. *Journal of Pediatric Nursin*, 18(4), 224-256.

- Ritchie, L.D., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication Research*, 17, 523-544.
- Schrodt, P., Witt, P. L., & Messersmith, A. S. (2008). A meta-analytical review of family communication patterns and their associations with information processing, behavioral and psychosocial outcomes. *Communication Monographs*, 75 (3), 248-269.
- Teymournezhad, K., Youzbashi, A., & Ebrahimi, M. (2017). Effective factors on citizenship education by emphasizing sustainable urban development. *Journal of Urban Economics and Management*, 5(19), 79-95. (Persian)
- Tracy L.J., Ronald J.P. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical Psychology Review*, 25, 341-363.
- Welander-Vatn, E., Ystrom, K., Tambs, M. C., Neale, K. S., Kendler, T., & Reichborn-Kjennerud, G. P. (2016). The relationship between anxiety disorders and dimensional representations of DSM-IV personality disorders: a co-twin control study. *Journal of Affective Disorders*, 190, 349- 356.
- Whiteley, P. (2012). Does citizenship education work? Evidence from a decade of citizenship education in secondary schools in England. *Parliamentary Affairs*, 67(3), 513-535.

